

Foundations and Principles of Tawhidic Governance in the Quran

Abbasali Farzandi¹, Meytham Shoaib²

Abstract

Tawhidic governance, as a system based on ethical values and religious beliefs, seeks to establish justice, human rights, and ethical values by adhering to the principles of monotheism and religious foundations. In this research, using a descriptive-analytical method and data-driven techniques, the foundations and principles of tawhidic governance in the Quran are examined. The main objective of this article is to explore the fundamental role of these foundations in shaping a tawhidic and justice-oriented social system and to analyze their significance in achieving social balance and justice. This study analyzes these principles with a focus on four philosophical, anthropological, sociological, and epistemological bases. Among these principles are monotheism, rejection of taghut (false deities), guidance, divine assistance, popular sovereignty, human nature, divine vicegerency, dignity, wisdom, rationality, belief in divine traditions, and justice. The results indicate that a precise understanding of these principles facilitates the governance process and, by adhering to tawhidic principles, the possibility of attaining happiness in both this world and the Hereafter, the ultimate goal of tawhidic governance, exists.

Keywords: Tawhidic Governance, Ontological Basis, Anthropological Basis, Epistemological Basis, Sociological Basis

1. Assistant Professor of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. daneshelmi2020@gmail.com

2. Ph.D, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. m.shoaib68@gmail.com

مبانی و اصول حکمرانی توحیدی در قرآن کریم

عباسعلی فرزندی^۱، میثم شعیب^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱

چکیده

حکمرانی توحیدی به عنوان نظامی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات دینی می‌کوشد عدالت، حقوق انسانی و ارزش‌های اخلاقی را محقق سازد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تکنیک داده‌بنیاد، مبانی و اصول حکمرانی توحیدی در قرآن کریم را بررسی کرده است. هدف اصلی پژوهش، بررسی نقش اساسی این مبانی در تشکیل نظام اجتماعی توحیدی و عدالت‌محور است و اهمیت آنها را در ایجاد توازن اجتماعی و تحقق عدالت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. این مطالعه با تأکید بر چهار مبنای هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی به تحلیل این اصول پرداخته است. از جمله این اصول می‌توان به اصل توحید، نفی طاغوت، راهنماشناسی، نصرت الهی، مردم‌پایگی، فطرت، خلیفه الهی بودن، کرامت، حکمت، عقلانیت، اعتقاد به سنت‌های الهی و عدالت اشاره کرد. نتایج نشان می‌دهد شناخت دقیق این اصول بهبود فرایند حکمرانی را آسان می‌کند و با رعایت اصول توحیدی، امکان رسیدن به سعادت دنیا و آخرت وجود دارد که هدف اصلی حکمرانی توحیدی است.

واژگان کلیدی: حکمرانی توحیدی، مبنای هستی‌شناسی، مبنای انسان‌شناسی، مبنای معرفت‌شناسی، مبنای جامعه‌شناسی، قرآن کریم.

۱. نویسنده مسئول: استادیار مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

daneshelmi2020@gmail.com

m.shoai68@gmail.com

۲. دکترای تخصصی، دانشگاه ادیان و مذاهب. تهران، ایران.

مقدمه

در عصر پیشرفت و پیچیدگی‌های اجتماعی کنونی، تحقق عدالت، حفظ حقوق انسانی و اجتماعی، رعایت اصول و مبانی حکمرانی و پابندی به ارزش‌های اخلاقی از جمله مسائلی است که نیازمند توجه در جوامع است. در این راستا، حکمرانی توحیدی به‌عنوان الگویی سازگار با اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی می‌تواند به‌عنوان راهکاری برای تحقق این اهداف مورد بررسی قرار گیرد. قرآن کریم به‌عنوان منبع اصلی حکمرانی توحیدی، اصول و مبانی مهمی را برای تحقق اهداف این نوع حکمرانی ارائه کرده است. مسئله‌ای که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد، مبانی و اصول حکمرانی توحیدی در قرآن کریم است. این مبانی و اصول کدام است؟ چگونه می‌تواند در تحقق عدالت، حقوق انسانی و اصول حکمرانی مؤثر بازنمایی شود؟

اهمیت موضوع به‌طور آشکار در تحقق اهداف اجتماعی و انسانی جوامع نمود پیدا می‌کند. تأمین عدالت، حقوق انسانی و رعایت اصول حکمرانی، از جمله مواردی است که در پیشبرد جوامع به‌سمت توسعه و پیشرفت اساسی مؤثر است. بر این اساس، بررسی اصول حکمرانی توحیدی از دیدگاه قرآنی به‌منظور استفاده از آنها به‌عنوان چارچوبی مناسب در حکمرانی‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اهمیت فراوانی دارد.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و تحلیل مبانی و اصول حکمرانی توحیدی در قرآن کریم و نمایش نقش آنها در تحقق عدالت، حقوق انسانی و اصول حکمرانی مؤثر است. با تمرکز بر آیات مرتبط، تفسیرهای معتبر و منابع دیگر به نمایش نقش این اصول در ارتقای فرهنگ اجتماعی و سیاسی انسان‌ها پرداخته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که مبانی و اصول حکمرانی توحیدی در قرآن کریم چه مواردی است که می‌تواند به تحقق عدالت، حقوق انسانی و حکمرانی مؤثر کمک کند؟

مبانی نظری

پژوهش درباره مبانی و اصول حکمرانی مطلوب از دیدگاه قرآن کریم و روایات معصومین قدمت چندانی ندارد. بیشتر مطالعات از دید علوم اقتصاد، مدیریت و سیاست به این موضوع پرداخته‌اند و هر کدام جزئی از موضوع را بررسی کرده‌اند که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه.

این مجموعه با رویکرد و اهداف اقتصادی، با توجه به شاخص‌های بانک جهانی و نهادهای بین‌المللی حکمرانی مطلوب را بررسی کرده است و یافته‌های آن مشخص کردن شاخص‌های حکمرانی مطلوب با روش توصیفی - تحلیلی است؛ در حالی که رسالت این پژوهش بررسی مبانی و اصول آن در قرآن و روایات است.

- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). حکمرانی شایسته و الگوی مناسب دولت، دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی.

هدف نگارنده بررسی نظریات درباره الگوی حکمرانی مناسب با روش توصیفی - تحلیلی است. یافته‌های آن توصیف الگوهایی مانند بازآفرینی دولت، الگوی خدمات عمومی جدید و الگوی دولت مردم‌سالار است و مؤلفه‌های حکمرانی شایسته مانند مردم‌سالاری، مشارکت‌جویی، پاسخگویی، اثربخشی و عدالت‌محوری و ویژگی‌های آنها را بیان کرده است.

- نقیعی مفرد، حسام (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران: شهر دانش.

بخش عمده کتاب با روش توصیفی - تحلیلی به جهانی شدن حقوق بشر اختصاص دارد؛ بخشی هم به حکمرانی مطلوب پرداخته است که حکمرانی مطلوب در سال‌های گذشته توانسته است در چهارچوب روند جهانی شدن حقوق بشر نقش پررنگی در تحول عملکرد حکومت‌ها در رابطه با اداره جوامع و تغییر کارکرد حاکمیت‌ها داشته باشد. این منبع هم برای روشن شدن مباحث حکمرانی خوب در فضای گفتمان غرب سودمند است که در این پژوهش استفاده خواهد شد، اما از دیدگاه مبانی قرآنی و روایی، تهی است که هدف این جستار است.

- عزیزی، مدبر (۱۳۸۹). مدیریت قرآنی، تهران: انتشارات سخن گستر.

این نوشتار درباره اصول مدیریت و ویژگی‌های مدیران از دیدگاه قرآن کریم با روش توصیفی - تحلیلی است و در سه بخش تدوین شده است. نویسنده ابتدا به اهداف حکومت و مدیریت در مکتب اسلام می‌پردازد و در بخش دوم که محور عمده کتاب است، وظایف و اوصاف مدیران را مورد بحث قرار می‌دهد؛ از جمله ویژگی‌های مدیر را تقوا، کاردانی، دلسوزی، نظم، بردباری، دوران‌دیشی، مشورت، خیرخواهی و عدالت‌محوری ذکر می‌کند. وی در بخش پایانی به بحث سیاست و ولایت از دیدگاه قرآن می‌پردازد و پیروی از مدیران را در راستای ولایت خدا و امامان می‌داند.

برخی مقالات نیز به این موضوع پرداخته‌اند مانند:

- عمرانی، سجاد (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی شاخص‌های حکمرانی در سیره علوی و اموی (با تأکید بر معاویه)، دانشگاه قرآن و حدیث.

در این پژوهش نگارنده پس از بررسی مفاهیم، دیدگاه اندیشمندان مسلمان در مورد حکومت و قدرت را گردآوری کرده است؛ سپس شاخص‌های حکمرانی خوب را نام برده، و بعد به مقایسه قدرت و حکومت از نگاه امیرالمؤمنین (ع) و معاویه پرداخته است. در پایان نیز جایگاه مردم و نقش و حقوق آنها را در سیره علوی و اموی به بحث نهشته که در مقایسه با هدف این پژوهش بسیار جزئی و فقط بخشی از کار انجام شده است و در آن هم نگارنده از ارائه الگوی حکمرانی علوی و اموی ناتوان است و فقط مواردی را شمرده و گردآوری کرده است.

- ارسطا، محمدجواد (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام، فصلنامه پژوهش تطبیقی اسلام و غرب، شماره ۳.

نگارنده در این جستار به مؤلفه شفافیت پرداخته، و آن را رکن بنیادین حکمرانی خوب قلمداد کرده است و بیان می‌کند این مؤلفه به جوامع مدرن اختصاص ندارد و مبانی آن را در اسلام پی‌جویی کرده است.

- سالاری سردری، فرضعلی (۱۳۹۷). بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی جمهوری اسلامی، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۵.

در این جستار نگارنده به‌طور اجمال حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته را مورد مطالعه قرار داده است و تفاوت آنها را بیان کرده است. وی معتقد است حکمرانی خوب مبتنی بر انسان‌محوری، دنیاگرایی و ماده‌گرایی است؛ در حالی که حکمرانی شایسته، به‌طور همزمان، بر خدامحوری و توجه به دنیا و آخرت مبتنی است.

- کردنژاد، نسرین (۱۳۹۴). امکان‌سنجی نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۲.

نویسنده ابتدا به شکل‌گیری نظریه حکمرانی خوب اشاره کرده است؛ سپس به نظر موافقان و مخالفان در زمینه امکان‌اجرای شدن این نظریه در جوامع اسلامی پرداخته است. نظریات موافقان و مخالفان را نپذیرفته، و بر این ادعا است که آموزه‌های حکمرانی خوب به‌مثابه تجربه بشری قابل بررسی است و آموزه‌های آن را به‌صورت مشروط و با رعایت مبانی قابل اجرا دانسته است.

- درخشه، جلال (۱۳۹۷). مؤلفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر (ص)، پژوهش‌های علم و دین، سال نهم، شماره اول.

در این مقاله نیز مؤلفه‌های حکمرانی خوب از پژوهش‌های گذشته مورد استفاده قرار گرفته است و ادعای اصلاح مؤلفه‌های یادشده را دارد. به این صورت: قانون‌گرایی، فسادستیزی، رفق و مدارا، عدالت‌محوری، مشارکت‌طلبی، اثربخشی، پاسخگویی؛ سپس آنها را در سیره نبوی پی‌جویی کرده است و بیان کرده است که آن حضرت برای تحقق حکمرانی شایسته با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه آغاز کرد و قوانینی وضع کرد؛ با فسادهای گوناگون مقابله کرد و حقی برای خود و نزدیکان قائل نبود؛ برنامه‌های آن حضرت همواره در راستای شفافیت و آشکارکردن تصمیمات بود؛ در تعامل با مردم هم نسبت به موافق و هم مخالف با رفق و مدارا برخورد می‌کرد.

وضعیت ورود نظریات حکمرانی در جامعه ما نیز، خارج نیست. از این رو باید به‌دقت در مبانی معرفتی و بستر وجودی شکل‌گیری آنها تأمل کرد و در صورت لزوم و برای حل مسائل داخلی، به‌گزینش یا بازسازی آنها دست زد.

چارچوب نظری این مقاله بر مفاهیم اسلامی و اصول دینی مبتنی بر قرآن کریم تأکید می‌کند. از جمله اصول مورد مطالعه در این مقاله می‌توان به اصل توحید، نفی طاغوت، راهنماشناسی، نصرت الهی، مردم‌پایگی، فطرت، خلیفه الهی بودن، کرامت، حکمت، عقلائییت، اعتقاد به سنت‌های الهی و عدالت اشاره کرد. این اصول به‌عنوان اساسی‌ترین مفاهیم در حکمرانی توحیدی برش‌دهنده و به‌عنوان چارچوب اصلی برای تحلیل مفهوم حکمرانی توحیدی است.

روش‌شناسی

این پژوهش از جنبه شیوه تحلیل در زمره پژوهش‌های کیفی است. در این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی به‌کار گرفته شده است. ابتدا مفاهیم و اصول مرتبط با حکمرانی توحیدی در قرآن کریم توصیف شده است؛ سپس با تحلیل این مواد مفهومی، نقش و اهمیت آنها در حکمرانی توحیدی بررسی شده است. جامعه آماری پژوهش همه آیات قرآن کریم است. چرا که تمامی آیات مورد نظر در این پژوهش به‌منظور استخراج مفاهیم و اصول حکمرانی توحیدی از متون قرآنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش از تکنیک داده‌بنیاد استفاده شده است. آیات مرتبط با

حکمرانی توحیدی از قرآن کریم استخراج شده است؛ سپس با تجزیه و تحلیل محتوا، مفاهیم و اصول مورد نظر استخراج شده است.

تجزیه و تحلیل

مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و جامعه‌شناسی از جمله مباحثی است که نقش مهمی در حکمرانی توحیدی ایفا می‌کنند. در این بخش از مقاله، به تجزیه و تحلیل این اصول اساسی پرداخته می‌شود تا به نتایجی عملی برای حکمرانی توحیدی در قرآن کریم دست یافته شود.

۱. مبانی هستی‌شناختی

براساس مبانی هستی‌شناسی الهی چند باور وجود دارد. نخست اینکه معتقد است هستی وجود دارد و عالم فقیر است و طبق برهان وجوب امکان اثبات می‌کنند که هستی‌های فقیر نیازمند هستی غنی است و خداوند است که حی، عالم و قادر علی‌الاطلاق است و علاوه بر آفرینش این عالم، عوالم گوناگونی را نیز خلق کرده است. آیات متعددی بر این مسائل دلالت دارد و در اصولی که خواهد آمد به آنها اشاره خواهد شد (انعام / ۱۰۲؛ فاطر / ۳؛ صافات / ۹۶؛ انفال / ۱۷؛ رعد / ۲؛ یونس / ۳۱؛ انبیاء / ۲۲).

در هستی‌شناسی الهی نه‌تنها از خالقیت خداوند بحث می‌شود، بلکه از ربوبیت تکوینی و تشریحی هم بحث می‌شود و در آیات متعددی مسئله عدم پذیرش ولایت غیر خداوند، اطاعت خداوند و عدم اطاعت طاغوت و مانند این مسائل بحث شده است.

۱.۱. اصل توحید

این اصل مبتنی بر انحصار قدرت و اختیار در دست خداوند است و در نظام توحیدی، خداوند به‌عنوان مرجع اصلی قدرت و اختیار در نظام حکومتی قرار دارد و همه اعمال و اقدامات حاکمان باید با اصول توحید و انحصار قدرت در دست خداوند سازگار باشد که ابعاد گوناگون آن بیان خواهد شد.

۱.۱.۱. اعتقاد به حاکمیت خداوند

در قرآن کریم به گونه‌های مختلف از اختصاص حکم و حاکمیت به خداوند متعال سخن به‌میان آمده است که در ادامه بدان اشاره می‌شود.

حکم در لغت به‌معنای منعی است که به قصد اصلاح صورت گیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۸۴). واژه حکم در قرآن کریم ۲۱۰ بار به‌کار رفته است که ۴۲ بار با وصف «حکیم» است و چهار مورد

برای قرآن و بقیه وصف خداوند است. در مواردی «حاکم» برای خداوند به کار رفته است مانند «أحکم الحاکمین» و «خیر الحاکمین». در برخی آیات هم هرگونه دخالتی در حکم خداوند نفی شده است (رعد / ۴۱؛ کهف / ۲۶). اختصاص حکم و حاکمیت به خداوند موجب آن است که هر جا سخن از حکم غیر او باشد، تصریح می‌کند که آن را خداوند در راستای حکم خویش به عنوان وظیفه بر عهده غیر گذاشته است.

۲.۱.۱. اعتقاد به ربوبیت خداوند

مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی غیر توحیدی در بعد نگرشی، غفلت از خداوند و اسما و صفات اوست. غفلت از خداوند، سرمنشأ بسیاری از ویژگی‌های منفی حکمرانی غیر توحیدی است. منظور از این غفلت، غفلت از ربوبیت الهی و تدبیر امور همه جهانیان و به عبارت دیگر «رب العالمین» توسط اوست؛ وگرنه طاغوتیان به وجود خالق برای جهان اذعان داشتند. همان‌طور که در آیات سیره حضرت موسی (علیه‌السلام) از زبان حکمرانان سلطه‌گر به مرآت شاهد هستیم (شعرا / ۲۳). چراکه فرعون به وجود الهه‌های بسیاری قائل بود و خودش را نیز مالک و مدبّر و ربّ قومش می‌دانست؛ بنابراین آنها نه نسبت به وجود خداوند، بلکه نسبت به اسما و صفات متعالی او مانند ربّ، مدبّر، رازق، حکیم و... غافل بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۲۶۶). درک فرعون از خداوند آن‌قدر نازل است که گمان می‌کند با ساختن برجی بلند، می‌تواند به او احاطه و دسترسی پیدا کند و گویا تنها خودش را لایق دسترسی به او می‌داند (شوری / ۳۷).

دلیل انکار کافران و از جمله فرعون نسبت به معاد نیز، تردید در قدرت الهی برای خلق دوباره و غفلت از نمودهای قدرت او در خلق جهان و طبیعت پیرامون آنها بود. همان‌طور که از زبان مخالفان بسیاری از پیامبران نقل شده است که: «وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَتَمُودٌ» (حج / ۴۲)؛ «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ» (ص / ۱۲)؛ «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ...» (غافر / ۵)؛ «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَتَمُودٌ» (ق / ۱۲)؛ «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا...» (قمر / ۹). پیش‌فرض دیگر آنها که به تکذیب معاد منجر شد، بیهوده و بی‌هدف دانستن دنیا است که قرآن کریم این مسئله را از زبان آنها نقل کرده است و پاسخ آن را داده است و در آیات بسیاری بدان اشاره شده است (مؤمنون / ۱۱۵؛ حجر / ۸۵). ریشه استکبار مخالفان دعوت انبیا همین غفلت از معاد و بازگشت به سوی خداوند، یا میل به عدم بازگشت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶: ۵۳)؛ همان‌گونه که از زبان فرعون و لشکریان وی نقل شده است (قصص / ۳۹).

۱.۱.۳. اعتقاد به فرمانروایی خداوند

فرمانروایی خداوند، اعتقادی بنیادی در دین اسلام است که در قرآن کریم به‌طور بارز و روشن‌ترین شکل ممکن بیان شده است. در قرآن، خداوند با وصف «مَلِكِ الْحَقِّ» تعبیر شده است (مؤمنون / ۱۱۶). این وصف نشان‌دهنده این است که خداوند فرمانروای حقیقی عالم است و هر حکمی که درباره هر چیزی براند، امرش نافذ و معتبر است؛ هم‌چنین او حق است و باطل در او راه ندارد. این وصف به این دلیل است که ممکن است برخی افراد، باور داشته باشند که خداوند دارای حکمی دیگر است که باعث می‌شود حکم او باطل شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵: ۷۳)؛ اما با وصف «مَلِكِ الْحَقِّ» مشخص شده است که هیچ حکمی جز حکم او معتبر نیست.

در آیات دیگری از قرآن کریم نیز به خداوند با وصف «مَلِكِ» اشاره شده است (طه / ۱۱۴). در این آیات، خداوند به‌عنوان فرمانروایی مطلق و حاکم بر همه چیز تصویر شده است؛ هم‌چنین با وصف «مَلِكِ الْقُدُّوسِ»، (حشر / ۲۳؛ جمعه / ۱) نشان داده شده است که خداوند پاک و متعال است و هیچ گناهی در او راه ندارد.

با توجه به آیات قرآن کریم، مشخص می‌شود که اعتقاد به فرمانروایی خداوند، از مهم‌ترین اعتقادات دینی در اسلام است. این اعتقاد نشان می‌دهد که خداوند تنها فرمانروای مطلق و حاکم بر همه چیز است و هیچ حکمی جز حکم او معتبر نیست. به همین دلیل، عبادت و تقرب به او از مهمترین وظایف دینی مسلمانان است (مکارم شیرازی، ج ۲۲: ۳۸۴).

۱.۱.۴. اعتقاد به اختصاص مُلک به خداوند

در قرآن کریم، کلمه «مُلک» به معنای حکومت و اداره امور به‌کار رفته است. این واژه و مشتقات آن در ۲۰۶ آیه از قرآن به‌کار رفته است که در برخی آیات، مُلک به‌طور مطلق به خداوند اختصاص داده شده است: «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ» (فاطر/۱۳). در بسیاری از آیات «مُلک» آسمان‌ها و زمین به خداوند اختصاص داده شده است مانند «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (بقره / ۱۰۷؛ مائده / ۴۰)؛ «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران / ۱۸۹)؛ «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مائده / ۱۷) و در آیات دیگری مانند اعراف / ۱۵۸، توبه / ۱۱۶، نور / ۴۲، فرقان / ۲، زمر / ۴۴، شوری / ۴۹، زخرف / ۸۵، جاثیه / ۲۷، فتح / ۱۴، حدید / ۲، حدید / ۵ و بروج / ۹).

به این ترتیب، خداوند فرمانروای هستی است و ملک و پادشاهی از آن خداوند متعال است. در برخی آیات، علاوه بر تصریح به انحصار فرمانروایی برای خداوند، هرگونه شریک هم برای وی نفی

شده است (فرقان / ۲). از این رو، هرآنچه از فرمانروایی در اختیار دیگران است، هم از خداوند است و چنین فرمانروایی عطیه‌ای از جانب اوست که به هرکس بخواهد اعطا می‌کند (آل عمران / ۲۶). در آیات دیگری نیز به این موضوع اشاره شده است. به عنوان مثال حضرت یوسف علیه السلام پس از رسیدن به عزت و جایگاه والا در مصر، به پروردگار خود عرضه می‌کند (یوسف / ۱۰۱) که در آن به خداوند اشاره شده و از او پرورش و ملکیت مطلق تمام جهان خواسته شده است (فضل الله، ج ۵، ۱۴۱۹ق: ۲۹۳).

به طور کلی، اختصاص مُلک به خداوند در قرآن کریم مفهومی مهم است که به توجه کردن به قدرت و فرمانروایی او اشاره می‌کند؛ هم‌چنین به این معنا است که هرگونه ملکیت و قدرت ما به اختیار و اجازه خداوند است و ما نیز باید از آن به عنوان نعمتی از سوی او استفاده کنیم و به وسیله آن به خیر و صلاح دیگران کمک کنیم.

بر این اساس، فرمانروایی، اول و بالذات مختص خداوند متعال است که می‌تواند آثار نیکویی در جوامع انسانی به همراه داشته باشد، گرچه ممکن است از نگاه تکوین، این عطیه در اختیار افرادی شایسته و متناسب با آن باشد یا به افراد غیر اهل و غیر شایسته واگذار شود، در هر حال اصل فرمانروایی از پروردگار است که افراد به وسیله آن امتحان می‌شوند.

۱.۵. اعتقاد به اختصاص ولایت به خداوند

ولایت به معنای چینی‌ساختاری جامعه است که در آن خدا در رأس مخروط و مردم در قاعده آن قرار دارند. ولایت تکوینی و تشریحی دو قسمت ولایت مطلق خدا است. در ولایت تکوینی، خلقت وجود سلسله‌مراتبی دارد و همه موجودات به خداوند باز می‌گردند. ولایت تشریحی خداوند بر مؤمنان در برابر عدم ولایت خداوند بر کافران است و از طریق مظاهر اجرایی حاکمیت خداوند در زمین تحقق می‌یابد. حاکمیت مشروع فقط مختص ذات اقدس الهی است و فرمانبری و اطاعت فقط باید از خداوند صورت گیرد؛ اما قرآن کریم از حکمرانی برخی عناصر غیر از ذات خداوند سخن می‌راند و بندگان را مأمور به پیروی از آنها می‌کند. به علت عدم سنخیت انسان با ذات اقدس الهی، خداوند رابطه‌هایی از جنس خود بشر برای اعمال حاکمیت خود در زمین انتخاب کرده است.

۱.۲. اصل نفی طاغوت

پس از اثبات حاکمیت خداوند و اولیای او، هرگونه ولایت قائل شدن برای غیر او را نفی کرده است و چنین نظامی را بی‌بنیان شمرده است که آن را در چند محور می‌توان شناسایی کرد.

۱.۲.۱. عدم پذیرش حاکمیت طاغوت، نشانه ایمان

طاغوت هر حقیقتی جز ذات الله است که از حد خود تجاوز کند و خودش را در معرض پرستش قرار دهد. قرآن کریم در عرض حاکمیت الله از حاکمیت طاغوت سخن گفته است و آن را رد کرده است (نساء / ۶۰ - ۶۵). علامه طباطبایی بر اساس این آیات، ملاک نفاق را تفاوت گذاشتن میان حکم الله و حکم الرسول به قبول حکم الله و توقف در عمل به حکم رسول الله عنوان کرده است. اگر فردی به پندار خود تسلیم حکم الله بوده و به احکام و دستورات الهی اقدام کند، اما در مقام حاکمیت پیامبر و اهل بیت توقف کند، در زمره منافقان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ۴۰۳).

۱.۲.۲. باور به ولایت برای غیر خداوند، نشانه کفر

آیه ۱۰۲ سوره کهف یکی از مهم‌ترین و شدیدترین تعبیر قرآن در مسئله حاکمیت خداوند را مطرح کرده و تصریح کرده است که معتقدان به ولایت غیر خدا، در کفر محض به سر می‌برند: «أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا» (کهف / ۱۰۲).

بر اساس این آیه، باور به ولایت غیر خدا نشانه کفر است و انسان‌ها نمی‌توانند به جای خداوند، اولیای دیگری را انتخاب کنند. در واقع آنها به زیبایی‌های زندگی دنیا فرو می‌روند و به ظاهر از این اطمینان پیدا می‌کنند که ولایت غیر خدا برای ایشان سودمند و ضروری است؛ در حالی که در واقع این باور، آنها را به کفر می‌کشاند. علامه طباطبایی بعد از بیان سه وجه دیگر در معنای آیه، این معنا را ترجیح داده است؛ چرا که آیات مورد بحث، بلکه تمام آیات سوره در این سیاق است که بفهماند کفار به زینت زندگی دنیا مفتون گشته، امر بر ایشان مشتبه شده است و به ظاهر اسباب اطمینان و رکون کردند و در نتیجه غیر خدای را اولیای خود گرفتند و پنداشتند که ولایت این آلهه کافی و نافع برای آنان است و دافع ضرر از آنها است و حال آنکه آنچه بعد از نفخ صور و جمع شدن خلائق خواهند دید، مناقض پندار ایشان است؛ پس آیه شریفه مورد بحث نیز همین پندار را تخطئه می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳: ۳۶۷).

۱.۲.۳. کفر به طاغوت عامل نجات

در سوره بقره به اجباری نبودن پذیرش دین اشاره شده، و اینکه مسیر هدایت از ضلالت متمایز است، (بقره / ۲۵۷) و در ادامه بیان کرده است کفر به طاغوت و ایمان به خدا عامل نجات است. در روایتی از امام صادق (ع) نیز، ملاک کفر خروج از تحت حاکمیت و ولایت خدا و پذیرش ولایت طاغوت دانسته شده است (کلینی، ج ۱: ۳۷۶).

۱.۲.۴. ظلمت حاکمیت طاغوت

اشاره شد که طبق آیهٔ الکرسی، ایمان به خدا و کفر به طاغوت عامل نجات است و تلازم ایمان به خدا با کفر به طاغوت بیان شد. با توجه به روایتی از امام صادق علیه‌السلام، که بخش اول آیه الکرسی از ولایت خدا بر مؤمنان و خروج آنها از ظلمت به نور سخن گفته است و مقصود از بیرون رفتن اهل ایمان از وادی ظلمت و ورود به وادی نور، این است که اهل ایمان به خاطر تدبیر به ولایت امام عادل و منصوب از سوی پروردگار، که وجود انبیا و اهل بیت و مظاهر اجرایی حاکمیت الله، در میان مردم به‌شمار می‌روند، توفیق توبه و استغفار می‌یابند که عین نور و روشنائی است و از برکت اعتقاد به حاکمیت الله، به نجات و رستگاری می‌رسند. در ادامه به ولی بودن طاغوت برای کافران و خروج آنها از نور به ظلمت اشاره شده است که مقصود خداوند از این کلام این است که آنها با قبول ولایت طاغوت، از نور اسلام بیرون رفته و به ظلمت کفر داخل شدند و به همین دلیل خداوند ورود به آتش جهنم همراه کافران را برای آنها واجب کرده است.

۱.۲.۵. لعن اهل کتاب به دلیل پذیرش حاکمیت طاغوت

در برخی آیات هم اهل کتاب به دلیل پذیرش حاکمیت طاغوت مورد لعن قرار گرفته‌اند. در این رابطه قرآن کریم فرموده است (نساء / ۵۱ - ۵۲) انقیاد به طاغوت و عدم انقیاد به حاکمیت الله، موجب لعنت خداوند می‌شود.

۱.۳.۱. اصل راهنمایی

خداوند متعال از لوازم هدفداری خود در آفرینش مخلوقات استفاده می‌کند تا هر مخلوق را به سمت هدفی هدایت کند که برای او تعیین کرده است. این اصل در قرآن به صورت‌های گوناگون تأکید شده است (طه / ۵۰) و بر اساس آن، هدایت هر مخلوق، مترتب بر آفرینش آن و به‌سوی هدف و مقصدی است که خداوند برای آن تعیین کرده است (مغنیه، ج ۵: ۲۲۲). به عبارت دیگر، هدایت هر مخلوق، در نتیجه تعامل قوای درونی آن و ابزارهایی است که در اختیارش قرار گرفته، و مظهر غایت و هدف وجودی آن است (اعلی / ۱ - ۴).

۱.۴.۱. اصل نصرت الهی

اصل نصرت الهی به‌عنوان یکی از اصول مسلم و سنت‌های الهی در حکمرانی توحیدی مورد بررسی قرار گرفته است. این اصل بیان می‌کند که خداوند متعال به‌عنوان پشتیبان و یاری‌دهنده باورمندان و جبهه توحیدی در جنگ با دشمنان حاکمیت خود قرار دارد (قطب، ج ۶: ۳۵۱؛ مکارم شیرازی، ج ۲۳: ۴۶۱). در قرآن، خداوند به قطعی بودن پیروزی مظاهر حاکمیت خود بر دشمنان و

غلبه قطعی جنرال الله اشاره کرده است (مجادله / ۱۹ - ۲۱). رسولان خدا نیز به عنوان یاران حق و پیروز در جبهه توحیدی، در حجت و دلیل منصوب هستند و همیشه توسط خداوند متعال در حفظ راه حق و شکست دشمنانشان یاری می‌شوند (صافات / ۱۷۱ - ۱۷۳). اصل نصرت الهی با قدرت و عزت ذات اقدس خداوند تأیید شده، و به عنوان یکی از اصول حکمرانی توحیدی مورد تأکید قرار گرفته است.

۱.۵. اصل مردم پایگی

نقش مردم و فرمان‌پذیری آنها و عدم فرمان‌پذیری از غیر خداوند یکی از اصول مهم حکمرانی الهی است که در قرآن، وظیفه امت، فرمان‌پذیری از حاکمیت توحید و اظهار تذل و تمکین و تسلیم در برابر خداوند است. عبادت خدا را غایت خلقت معرفی می‌کند (ذاریات / ۵۶) و مردم باید در این جهت تکلیفی را به عهده بگیرند.

در برخی از آیات عبادت خداوند به عنوان راهبرد توحید بیان شده است که در کنار دعوت به توحید، از شرک نهی کرده است: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» (نساء / ۳۶) در قرآن، اطاعت از پیامبران به اذن خداوند است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء / ۶۴) و مردم باید به عنوان انجام فرمان الهی از آنها اطاعت کنند؛ هم‌چنین اطاعت از ولی فقیه در زمان غیبت حجت، با توجه به نصب الهی والیان مسلمانان، به عنوان اطاعت از اولی الامر شناخته می‌شود (ابن بابویه، ج ۲: ۴۸۴).

۱.۶. اصل هدفداری خلقت

آیات و روایات بر هدفمند بودن جهان به عنوان یک واحد منظم تأکید می‌کند و عبث بودن آن را انکار می‌کند. جهان به دست حکیم آفریده شده، و ناگزیر هدفی بر آن مترتب است (صادقی تهرانی، ج ۱۹: ۲۵۳). آیات گوناگونی از جمله آیات «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»، «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ» و «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ» (ابراهیم / ۳۲؛ حجر / ۲۲؛ نحل / ۱۰؛ نحل / ۸۰ - ۸۱؛ حج / ۶۳؛ فرقان / ۴۵ - ۴۹؛ نمل / ۶۰؛ قصص / ۷۳ و...) نشان می‌دهد بازگشت انسان به سوی خداوند است و در آنجا رفتار او مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و لازم است در راستای فرامین الهی حرکت، و از مخالفت با آنها پرهیز کند. به علاوه، بر این باور هستند که قانون علیت بر موجودات این عالم حاکم است و هر یک، معلول موجود پیش از خود و علت موجود بعد از خود است و با وجود هر یک از آنها، زمینه وجود دیگری فراهم می‌شود.

هدف خداوند از خلقت همه اجزای جهان، تأمین نیازهای انسان و رسیدن او به کمال است. همه موجودات در این راه به انسان کمک می‌کنند و خداوند با توجه به عنایت و رحمتی که به موجودات دارد، به هر گونه که بخواهد در آنها تصرف می‌کند و آنها را به کار می‌گیرد. عنایت خداوند بر تمام موجودات، صفت ثابت خداوند است که در برطرف ساختن نیاز همه و رساندن موجود به کمالی که لیاقت آن را دارد، نمود پیدا می‌کند.

۲. مبانی انسان شناسی

مبنای انسان‌شناسی در حکمرانی توحیدی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، بر پایه چند بعد متنوع انسانی ساخته شده است که باتوجه به ظرفیت و توانایی‌ها، انسان می‌تواند به مقام خلافت الهی برسد. بر اساس آیات قرآن، خلقت انسان در «أحسن تقویم» (تین / ۴) است و آفرینش او به دست خداوند متعال است. انسان توانایی ادراک اسرار عالم را دارد و باید به خودشناسی بپردازد تا با شناخت خود، به معارف بسیاری دست یابد (بقره / ۳۱).

در قرآن، انسان به عنوان وجودی چند بعدی با مراتب، شخصیت، نیازها و موانع آن برای تکامل پرداخته شده است. مراتب انسانی شامل نفس اماره، نفس لوامه، نفس ملهمه و نفس مدرکه است (شمس / ۸ - ۱۰؛ یوسف / ۵۳؛ نحل / ۷۸؛ فجر / ۱۲) که هر کدام نیازهایی دارند که باید به فعلیت برسد. به طور مثال، نفس اماره، ابزار نفوذ شیطان است و اگر انسان به نیازهای این نفس پاسخ دهد، به مراتب پایین تنزل می‌یابد. باتوجه به این مبنا در حکمرانی توحیدی باید به اصول و مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مبنای انسان‌شناسی توجه شود تا بتوان به بهبود و تحول جامعه و ایجاد نظامی عادلانه دست یافت. این اصول شامل شناخت خود، تزکیه در عمل، پاسخ به نیازهای نفسی گوناگون و پیشرفت و تکامل انسان در راستای خلافت الهی است.

۲.۱. اصل فطرت

در حکمرانی توحیدی، اصل فطرت به عنوان یکی از اصول مهم مبنای انسان‌شناسی شناخته می‌شود. بر اساس آموزه‌های قرآن، انسان در آغاز خلقت از صفات سلبی و کمالی مانند صفحه‌ای خالی است (روم / ۳۰)، اما با قابلیت محض در جهت سعادت و شقاوت. فطرت انسانی به عنوان استعداد ذاتی برای گرایش به خیر و شر دانسته می‌شود و این استعداد ذاتی می‌تواند به واسطه پیروی از هوای نفس به صورت عکس رفتار کند و انسان را به سوی شر سوق دهد (امام خمینی (ره)، چهل حدیث: ۳۲۴). با این حال، فطرت انسانی در صورت آلوده نشدن به رذائل و موانع، خداجو باقی می‌ماند و در صورت آلوده شدن، پرده‌ای روی آن کشیده می‌شود.

در حکمرانی توحیدی، تمام عظمت و بزرگی انسان ناشی از تعلق او به آستان ربوبی است و شکوفایی استعدادهای عالی و برتر او تنها از طریق برقراری این رابطه و توجه به اصل خود در نظام تربیتی خاص امکان‌پذیر است. این اصل بر این اعتقاد است که انسان بریده از خدا فاقد اوصاف عالی و برتر است و فطرت حقیقتی یکسان و همگانی در میان انسان‌ها است که آنها را به سمت کمال سوق می‌دهد. بر اساس این فطرت، انسان دارای ادراکات و گرایشات فطری است و این فطرت دو ویژگی همگانی و غیراکتسابی بودن دارد و همه انسان‌ها از بدو تولد از آن برخوردار هستند.

با توجه به این اصل، در حکمرانی توحیدی باید به بیدارکردن فطرت انسان توجه شود و به او موانع و حجاب‌هایی تذکر داده شود که بر روی آن قرار گرفته است، تا مسیر شقاوت را دنبال نکند. این اصل هم‌چنین مبنای حقوق در اسلام است و حقوق در این دین بر اساس فطرت و طبیعت انسان تعیین می‌شود. به عبارت دیگر، منشأ حقوق در اسلام فطرت است که همگانی و غیر اکتسابی است و برای اثبات وجودش نیاز به احراز شرایط خاصی نیست. این اصل برای اثبات حق آزادی، تعالی و کمال همگانی استفاده می‌شود.

انسان قرآنی، انسان موحد و الهی است که در رشد و تعالی خود، به سوی فطرت و سرشت آسمانی خود پیشرفت می‌کند. مقصود از فطرت، اموری است که در بدیهیات و واضحات است و برخی از ویژگی‌های این انسان عبارت است از:

عشق به کمال مطلق: این ویژگی نشان می‌دهد که انسان دوست دارد به کمال مطلق و الهی برسد و این عشق به کمال، توحیدباوری او را نشان می‌دهد (امام خمینی(ره)، شرح حدیث عقل و جهل: ۷۶).

حب به خیر: فطرت و خلقت انسان، بر استقامت و نیکی استوار است و حب به خیر، سرشت انسانی است که خود انسان می‌تواند آن را به انحراف بکشاند (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۷؛ ج ۱۸: ۴۵۰). ثنا و شکر معبود: ثنای معبود از فطریاتی است که همه سلسله بشر و فطرت همه به آن حکم می‌کند و در برابر کامل مطلق و جمیل مطلق و منعم و عظیم مطلق خاضع است (امام خمینی(ره)، شرح چهل حدیث: ۴۳۳).

۲.۲. اصل خلیفه الهی بودن

انسان به‌عنوان خلیفه الهی بر روی زمین قرار دارد و با نمایندگی از خداوند، می‌تواند تمام کمالات را به‌طور کامل نشان دهد. خداوند می‌خواهد انسانی خلق کند که نماینده‌اش باشد و صفاتش پرتوی

از صفات پروردگار و مقام و شخصیتش برتر از فرشتگان باشد و تمام زمین و نعمت‌هایش در اختیار چنین موجودی باشد. تعلیم و ظهور اسمای الهی در قرآن، از مؤلفه‌های تحقق خلافت الهی است. در آیاتی که در آنها تنها اسمای الهی معرفی می‌شود، از انسان خواسته می‌شود با سلوک الی‌الله به قرب حق نائل شود (انشقاق / ۶؛ حدید / ۴؛ بقره / ۱۱۵؛ بقره / ۳۰ - ۳۱). آیات دیگر از انبیا و اولیای الهی یاد می‌کند که با عمل به رهنمودهای الهی به حیات حقیقی دست یافتند. همه انسان‌ها نیز در آیات به‌سوی خداوند دعوت می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۲۸۰ - ۲۸۱).

تعلیم اسمای الهی و تحقق خلافت الهی با یکدیگر ارتباط عمیقی دارد و با استفاده از آنها، انسان به قرب حق نائل می‌شود و سزاوار مقام خلافت الهی می‌شود (بقره / ۳۰ - ۳۱؛ حجر / ۳۰). چنین فردی به مقامی دست می‌یابد که نه‌تنها راهبر خود، بلکه راهنمای دیگران به سمت کمال است. در آیات قرآن، خداوند ملائکه را آگاه می‌سازد که انسان را به‌عنوان خلیفه الهی انتخاب کنند و ناتوانی آنها از فهم علت این انتخاب را گوشزد می‌کند. انسان نیز مورد خطاب قرار می‌گیرد و باید آزمایش شود تا به چنین مقامی نائل شود. در آیات دیگر، برخی انبیا مانند حضرت داود و حضرت ابراهیم علیهم‌السلام، به‌عنوان انبیای الهی و امام مردم معرفی می‌شوند (ص / ۲۶).

۳.۲. اصل کرامت

کرامت از مفاهیمی است که هم برای خداوند و هم برای انسان به‌کار رفته است که در رابطه با انسان ابتدا به خداوند نسبت داده شده است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء / ۷۰). مفهوم کرامت در قرآن به دو صورت ذاتی و اکتسابی تعریف شده است. کرامت ذاتی به‌معنای وجود ویژگی‌ها و صفاتی است که در ذات انسان هست و تا زمانی که به مقام تحقق خارجی نرسیده باشد، به‌صورت بالقوه در همه انسان‌ها وجود دارد. این ویژگی‌ها شامل مقام خلیفه‌الله، روح‌الله، امین‌الله، مسجود ملائک، تسخیرکننده آسمان و زمین و... است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷: ۲۷۲).

کرامت اکتسابی به‌معنای کسب و تحقق کرامت با استفاده از اسباب و شرایط خاصی است که با راهبرد عقل و دین می‌توان زمینه‌های بالقوه کرامت و استعداد ذاتی خود را بالفعل کرد. این کرامت به تحقق عدالت و تأمین حقوق انسان‌ها و کرامت بشری منوط است.

دستیابی به کرامت، شرایطی دارد که برخی از آنها عبارت است از: دولت کریمه که با ایمان و معنویت، قسط و عدل، علم و معرفت، صفا و اخوت، صلاح اخلاقی و رفتاری و اقتدار و عزت همراه است؛ هم‌چنین وجود شهروندان کرامت‌طلب، از شرایط لازم برای دستیابی به کرامت است.

در صورتی که پذیرش شهروندی در یک جامعه مانع دسترسی انسان به کرامت و سعادت شود، باید به مکان دیگر هجرت کرد (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۳/۰۶/۲۰).

۳. مبانی معرفت‌شناسی

معرفت بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی، از دو طریق حصولی یا حضوری از عوالم هستی به دست می‌آید که شامل ملک، ملکوت، جبروت و عالم اسما و صفات الهی است. منبع معرفت، عوالم هستی و ابزار معرفت شامل حس، تجربه، عقل، قلب و وحی است. در قرآن، حس به عنوان نازل‌ترین مرتبه معرفت نام برده شده است و در مرتبه بالاتر واژگان «عقل»، «لب»، «فواد» و «قلب» قرار دارد؛ بنابراین انواع معرفت شامل سمعیات و بصریات، معقولات، حکمت و وحی است. به طور کلی معرفت‌شناسی در قرآن به عنوان یکی از مبانی حکمرانی توحیدی، با تأکید بر اهمیت حصولی معرفت از خداوند و عوالم هستی، ابزار معرفت و رویکرد مناسب به حقیقت و واقعیت، به عنوان یکی از مبانی اصلی حکمرانی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است.

۳.۱. اصل حکمت

بر اساس مبانی فکری و اجتهادی بر اساس نصوص دینی این اصل در سه حوزه بینش، منش و کنش جریان دارد که در بعد بینشی می‌توان چنین ویژگی‌هایی را بیان کرد:

- باور به عالم غیب: بر اساس معرفت‌شناسی الهی، انسان باور به عالم ماورای طبیعت پیدا می‌کند و همه چیز را در این عالم ماده نمی‌داند.

- باور به همبستگی جهان: علاوه بر باور به عوالم گوناگون، به ارتباط و انسجام آنها نیز باور پیدا می‌کند.

- باور به هدفمندی عالم و آدم: بر اساس اعتقادی که به عالم غیب پیدا کرده است و اعتقاد به ارتباط بین عوالم دارد، به هدفمندی جهان و خود انسان نیز باور پیدا می‌کند.

- باور به خالق هستی: محور اصلی حکمرانی در قرآن و روایات توحید است که در همه زمینه‌ها سریان دارد و در مبانی معرفت‌شناسی نیز انسان علاوه بر باور به وجود عوالم گوناگون، باور دارد که این عوالم را خداوند آفریده است و در مسیر مشخصی حرکت می‌کنند.

- باور به ربوبیت هستی‌بخش: در حکمرانی توحیدی، علاوه بر باور به خالقیت خداوند، اعتقاد دارد که خداوند آنها را نیافریده و در لحظه لحظات قدرت خداوند جاری و ساری است و ربوبیت او هم در همه سریان دارد.

بنابراین، اصل حکمت به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی توحیدی در قرآن، با تأکید بر این مؤلفه‌های بینشی، به‌عنوان یکی از مبانی اصلی حکمرانی در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. در حوزه منش هم بر اساس مبانی معرفت‌شناسی هنگامی که انسان به موارد یادشده اعتقاد پیدا کرد، در منش او تغییراتی ایجاد می‌شود و نتایجی دارد که برخی عبارت است از:

- امید بخشی: یأس و ناامیدی بدترین بلایی است که دامن‌گیر یک نسل یا ملت می‌شود (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸). بر اساس نگاه توحیدی که جهان، مجموعه‌ای نظام‌مند و قانون‌مدار است و زندگی انسان هدف‌دار است، هر حرکت و تلاشی دارای اجر و پاداش الهی است و با این نگاه، جهان زیبا و معنادار خواهد شد و یأس و افسردگی رخت برمی‌بندد (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۹/۰۴/۰۸).

- آرامش درونی: چنین معرفتی سبب می‌شود از تلاطم و اضطراب روحی در امان باشد و به آرامش درونی برسد (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰). آسایش انسان ناشی از روحیه و اخلاقی است که از دین سرچشمه می‌گیرد و یاد خداوند به انسان آرامش می‌دهد و دل را نورانی می‌کند و باعث اطمینان و اعتماد می‌شود (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹).

در حوزه کنش هم روی انسان تأثیراتی می‌گذارد که عبارت است از:

- برقراری ارتباط سالم: چنین معرفتی در رفتار سبب می‌شود فرد در ابعاد گوناگون ارتباطی بین خود، دیگران، طبیعت، ماورای طبیعت و خداوند ارتباط سالمی داشته باشد.

۲.۳. اصل عقلانیت

در حکمرانی توحیدی عقلانیت هم وصف حکمرانی است و باید مبتنی بر آن باشد و هم هدف حکمرانی است که در صدد تحقق آن است (حدید / ۲۵). اسلام از همان ابتدا دعوت به تعقل را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد و شناخت عقلانی را معتبر دانست. بعثت نبی مکرم اسلام (ص) دعوت مردم به تربیت عقلانی، اخلاقی و قانونی بوده است. قرآن کریم گمراهی انسان‌ها را بی‌توجهی به این مشعل هدایت می‌داند و از زبان مجرمان بیان کرده است: «وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک / ۱۰). پیامبر اکرم (ص) هم فرموده است: «ما قسم الله للعباد شيئا أفضل من العقل» (کلینی، ج ۱: ۱۲). حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم بیان کرده است: «وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْعُقُولِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱).

اسلام عقل را یکی از منابع حجت می‌داند و اصول عقاید را باید با عقل به‌دست آورد و در استنباط فروع احکام نیز عقل یکی از حجت‌ها است.

۴. مبنای جامعه‌شناسی

براساس این مبنا بررسی روابط انسان‌ها در قالب جامعه و نظام‌های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. باتوجه به آیات قرآن کریم، حضرت آدم(ع) و حوا(س) اولین مخلوقات خداوند در روی زمین بودند که به‌عنوان اولین واحد اجتماعی خانوادگی روی زمین زیست اجتماعی داشتند (بقره / ۳۵؛ اعراف / ۱۹). خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی در نظام‌های اجتماعی شناخته می‌شود.

باتوجه به آیات خلافت الهی نیز مفسران بر این عقیده‌اند که برای داشتن خلافت الهی، نظام‌های اجتماعی باید پابرجا باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۵)؛ بنابراین نظام‌های اجتماعی مهم‌ترین ویژگی در حکمرانی توحیدی است و باید به‌گونه‌ای باشد که خلافت الهی در آنها معنا پیدا کند. در این راستا، بررسی مسائل اساسی درباره‌ی اصالت فلسفی یا غیر فلسفی جامعه، رابطه فرد و جامعه، اصالت فرد یا جامعه و مانند آن در جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. باتوجه به این مسائل، ویژگی‌های اساسی جامعه‌شناسی از جمله روابط فرد و جامعه، نظام‌های اجتماعی، واحدهای اجتماعی، وظایف اجتماعی و نقش‌های اجتماعی برای حکمرانی توحیدی اهمیت دارد.

۴.۱. اصل اعتقاد به سنت‌های الهی

اصل اعتقاد به سنت‌های الهی یکی از اصول مهم حکمرانی توحیدی در قرآن است. در آیات گوناگون قرآن به سنت‌های الهی اشاره شده است و مفسران و متفکران اسلامی این اصل را بر اساس برخی از آیات قرآن برداشت کرده‌اند.

یکی از سنت‌های الهی، سنت ابتلا و انتقام است که براساس آیه ۱۳۳ سوره انعام، سنت غیر قابل تغییر الهی است (طباطبایی: ج ۲: ۱۸۵). سنت هدایت نیز، سنت الهی دیگری است که هدف آن رساندن همه انسان‌ها به سعادت است و تمامی اوامر و نواهی و پاداش‌ها و مجازات‌های دنیوی و اخروی برای تحقق این امر است. پیامبران نیز برای تحقق این سنت مبعوث شدند تا راه دستیابی به سعادت را نشان دهند (طباطبایی، ج ۷: ۳۲۲). سنت امداد نیز یکی از سنت‌های الهی است که بر اساس قوانین خداوند در عالم هستی، کمک به همه انسان‌ها در مسیر حرکتشان است. خداوند به انسان‌هایی که در مسیر رشد و تعالی به‌سوی کمال حرکت می‌کنند کمک‌های بی‌حد و حصری

می‌کند و هم‌چنین افرادی که در مسیرهای غیر الهی گام بر می‌دارند، از امدادهای مشروط برخوردار هستند (طباطبایی، ج ۸: ۱۹۵).

بنابراین اعتقاد به سنت‌های الهی به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی توحیدی در قرآن، بسیار مهم است و در بسیاری از موارد، پایه و اساس تصمیمات و اقدامات حکومتی قرار می‌گیرد. برای داشتن حکمرانی توحیدی، باید از این سنت‌ها پیروی کرد و آنها را در تصمیم‌گیری‌های خود در نظر گرفت.

۲.۴. اصل عدالت

از اصول اساسی جامعه توحیدی، عدالت است و مهم‌ترین وظیفه انبیا و تمام اقشار جامعه و تنها راه سعادت جامعه عدالت و جلوگیری از هر نوع ظلمی است (امام خمینی(ره)، جهاد اکبر: ۲۵).

حاکمیت عدالت در جامعه سبب می‌شود هیچ قشر و گروهی جز به امتیازات انسانی که دارند از برتری برخوردار نشوند (امام خمینی(ره)، صحیفه امام، ج ۹: ۷۲) در نتیجه، همه اشخاص، اقوام، نژادها و گروه‌های مختلف به‌صورت عادلانه و برابر به امکانات و فرصت‌های اجتماعی دسترسی خواهند داشت (امام خمینی(ره)، صحیفه امام، ج ۶: ۴۵۳).

عدالت در این زمینه به‌معنای یکسان‌بودن همه در برابر قانون و نفی تبعیض است که همه در هر پست و مقام و جایگاهی برابر قانون یکسان باشند؛ البته به‌معنای نفی رعایت استحقاق نیست و هر فرد به تناسب استحقاق و شایستگی که دارد باید از موقعیت‌ها بهره‌بردار. همان‌طور که حضرت امیر علیه‌السلام در مورد برتری عدالت از بخشش بیان کرده است که عدالت هرچیزی را در جای خود می‌گذارد (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) و در جای دیگر از بخشش بدون استحقاق نهی کرده است که «اعطاء المال فی غیر حقّه تَبذیر و اسراف» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

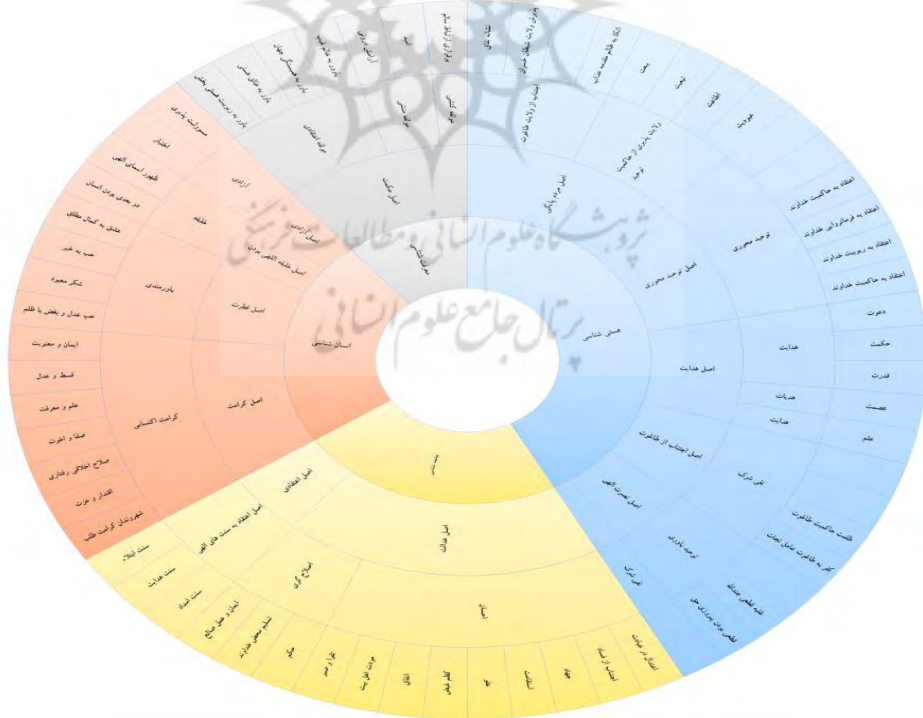
توصیه به این امر در آیات فراوانی مورد تأکید قرار گرفته است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵). همان‌طور که صاحب تفسیر المیزان «قسط» را در این آیه به‌معنای عدالت گرفته، و بیان کرده است در جامعه‌ای که رسالت انبیا پذیرفته شود و جامعه توحیدی شکل بگیرد، زمینه‌های تحقق عدالت فراهم می‌شود و مردم می‌توانند عدالت را به پا کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۷۱). توجه به این مسئله در آیات دیگری هم به چشم می‌خورد: (مائده / ۸؛ نساء / ۱۳۵؛ نحل / ۹۰).

گرچه حسن عدالت، امری عقلی است، اما وحی در معرفی مصداق‌های آن به بشر نقش اساسی دارد و از مفاهیم راهبردی و ارزشی ادیان الهی است. در جمع‌بندی تعاریف ارائه‌شده از عدالت دو

تعریف اصلی وجود دارد که عبارت است از: عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه» است و دیگر «اعطاء کل ذی حق حقه» که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) هم در بیانات خود از هر دو تعریف استفاده کرده است و بیان کرده است عدالت، یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن، به هر کسی حق او را دادن که از مجموعه تعاریف یادشده در کلام ایشان هفت ویژگی اساسی برای عدالت بیان شده است (امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۹/۴/۱۳۸۰): ۱. عدالت عام است. ۲. عدالت مطلق است. ۳. عدالت وسیع است. ۴. عدالت امری غایی است. ۵. عدالت فرازمانی است. ۶. عدالت جانبدارانه است. ۷. عدالت جامع و شامل است.

باتوجه به ویژگی‌های مفهومی بیان‌شده، عدالت در همه حوزه‌های زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، اخلاقی، سیاسی، داخلی و بین‌المللی و در همه شئون تقنینی، اجرایی و قضایی جریان دارد.

در بینش معرفت‌شناسی هم عدالت در دو عرصه تکوینی و تشریحی جاری است که روایت «بالعدل قامت السموات والارض» بدان دلالت دارد و سنت آفرینش بر پایه عدل است. می‌توان این مبانی و اصول را در قالب نموداری به شکل زیر ترسیم کرد:



نتایج

در این مقاله، به بررسی مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و معرفت‌شناسی حکمرانی توحیدی در قرآن کریم پرداخته شد. این مبانی و اصول آنها به‌عنوان راهنمایی برای حکمرانی توحیدی، نقش مهمی در تحقق هدف‌های این نوع حکمرانی دارد. از جمله این اصول، اصل توحید، نفی طاغوت، راهنماشناسی، نصرت الهی، مردم‌پایگی، فطرت، خلیفه الهی‌بودن، کرامت، حکمت، عقلانیت، اعتقاد به سنت‌های الهی و عدالت است.

باتوجه به بررسی این اصول در این مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی توحیدی، به‌عنوان نظام حکمرانی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و اعتقادات دینی، قادر به تحقق عدالت و حفظ حقوق انسانی است. این حکمرانی، با اعتماد به خداوند و پایبندی به مبانی و اصول حکمرانی توحیدی، می‌تواند به تحقق اهداف مطلوب جامعه کمک کند.

پیشنهاد

باتوجه به نتایج این مطالعه، پیشنهاد می‌شود در تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حکومتی، اصول و مبانی حکمرانی توحیدی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس این اصول، می‌توان تلاش کرد تا عدالت و حقوق انسانی در جامعه حفظ، و ارزش‌های اخلاقی و دینی ترویج شود.

ضروری است تا ارتقا و ترویج آگاهی‌بخشی مرتبط با اصول حکمرانی توحیدی در جامعه انجام شود. برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی مناسب برای مخاطبان گوناگون، از جمله مسئولان و عموم مردم می‌تواند به فهم بهتر اهمیت و کاربرد این اصول در حکمرانی و زندگی اجتماعی کمک کند.

هم‌چنین در زمینه اثربخشی و عملیاتی حکمرانی توحیدی در جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و اقتصادی، پژوهش‌های بیشتری مورد نیاز است. این پژوهش‌ها می‌تواند به ارتقای اثربخشی حکمرانی توحیدی و تحقق اهداف آن در جامعه کمک کند.

بررسی عملیاتی حکمرانی توحیدی: پژوهش‌های گسترده‌تری در زمینه اثربخشی حکمرانی توحیدی در حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به‌منظور شناسایی چگونگی اجرای عملیاتی اصول حکمرانی توحیدی و تأثیرات آن بر جامعه اجرا شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۱). **چهل حدیث**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۸). **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی (ره)، روح الله (۱۳۷۱). **مبارزه با نفس**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). نظریه و فرهنگ: روش‌شناسی بنیادین تکوین نظریه‌های علمی، راهبرد فرهنگ، ش ۲۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). **تفسیر تسنیم**، قم: اسراء.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). **مفردات الفاظ قرآن**. چاپ اول. بیروت: دار القلم.
- سید قطب (۱۴۲۵ق). **فی ظلال القرآن**، ۶ جلد، چاپ ۳۵، بیروت: دارالشروق.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه**، ۳۰ جلد، قم: فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علم الهدی، سید احمد (۱۳۹۳). **تفسیر آیات سیاسی قرآن**، ۲ جلد، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). **من وحی القرآن**، ۲۵ جلد، بیروت: دار الملائک.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). **تفسیر نور**، ۱۰ جلد، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). **حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت**، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). **تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت**، دانش مدیریت، ش ۶۷: ۸۵-۱۱۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). **الکافی**، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق). **من هدی القرآن**، ۱۸ جلد، تهران: دار محیی‌الحسین.
- مغنیه، محمدجوادی (۱۴۲۴ق). **التفسیر الکاشف**، ۷ جلد، قم: دارالکتب‌الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**، ۲۸ جلد، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

